

در میان برندهای مشهور، نوشابه‌های انرژی‌زا Red Bull سال‌ها است که در صدر پرفروش‌ترین‌ها قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۲، فروش Red Bull در آمریکا ۲ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار بوده و سال ۲۰۱۵ فروش این برند به ۴ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار رسیده است. بخش بزرگی از محبوبیت نوشابه‌های انرژی‌زا در این است که این برندها به حمایت مالی از مسابقات ورزشی توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. [آن‌ها هزینه‌های زیادی داده‌اند تا بتوانند در جایگاه‌های بالا قرار بگیرند.](#)

اگر ورزشکاران از این نوشابه استفاده می‌کردند توان بدنی بیشتری برای مسابقات داشتند و می‌توانستند به مقامات عالی دست پیدا کنند.

یک‌زبان آموز مانند یک ورزش‌کار در محیط آموزشی مشغول به یادگیری است و باید برای ارتقاء سطح خود، تمام تلاش خود را بکار ببندد؛ بنابراین هر دو باید از نوشابه‌های انرژی‌زا خاص خود استفاده کنند تا در صورت کم شدن توان و انرژی بتوانند انرژی خود را بالابردند و تمرین‌های آموزشی خود را به خوبی انجام دهند.

مشکل از آنجایی شروع شد که توزیع این نوشابه‌ها در محیط آموزشی فراموش گردید و کسی به آن توجه ای نکرد.

بارها و بارها شنیده و دیده‌ام که زبان آموزان زیادی محیط آموزشی زبان عربی را رها کرده‌اند یا حتی کسانی که در این محیط مشغول تحصیل هستند به اجبار در این محیط مانده‌اند و منتظر یک اتفاقی هستند که سریع از این محیط فاصله بگیرند.

البته این مشکل فقط در زبان عربی نیست بلکه در اکثر محیط‌های آموزشی زبان‌های خارجی دیده شده است و این اتفاق باعث شده که برای مدیران مؤسسات زبان، سؤالی پیش بیاید که چرا زبان آموزان عربی، پیشرفت اساسی ندارند و دائماً به این فکر می‌کنند که باید محیط و اساتید را تغییر داد یا از متدهای به‌روز دنیا استفاده کرد.

در حقیقتاً مشکل اصلی جای دیگری است و تغییر و تحول‌های ناگهانی در محیط آموزشی، مسکن‌های موقت هستند و مشکل را اساسی برطرف نمی‌کنند برای حل مشکل باید ابتدا ریشه‌ی آن را پیدا کرده و سپس با دقت آن را درمان کنیم.

البته شاید شما زبان آموزان هم به این مشکل برخورد کرده‌اید. این مشکل غریبی نیست. وجود این مشکل به‌طور موقت نشانه‌ی خوبی است اما اگر درمان نشود تبدیل به یک غده سرطانی آموزشی خواهد شد.

بگذارید کمی مشکل و این درد را شرح بدهم:

مشکل بعد از گذشت چند ماه به وجود می‌آید و زبان‌آموز حس خستگی، بی‌حوصلگی می‌کند.

زبان‌آموز دائماً در سُرقت، رسیدن به کلاس تأخیر می‌کند، در هنگام درس، مشغول به قلم و کاغذ و موبایل خود می‌شود و دائماً به ساعتش نگاه می‌کند که چند دقیقه به اتمام وقت کلاس مانده است، دائماً هوش و حواسش به بیرون از کلاس است و حتی در ذهن خود به یک ساندویچ همبرگر زغالی فکر می‌کند و به آن لبخند می‌زند تا زودتر کلاس به اتمام برسد و به سمت خواسته‌ی ذهنش برود.

و همچنین یک سری سؤالات در طول زمان آموزش به فکر زبان‌آموز خطور می‌کند که بازهم عربی... آخ این همه قواعد به چه درد ما می‌خورد؟ چرا باید نظریات مختلف نحویان رو بدانیم؟ ما هدف دیگری داریم ولی چرا باید این همه قاعده و قانون‌ها را بخوانیم؟

در این قسمت نمی‌خواهم پاسخ این سری سؤالات را بدهم و ان‌شاءالله در روزهای آینده به این سؤالات پاسخ‌خواهم داد؛ اما

سؤال بنده این است:

چرا زبان آموز باید فکر و ذکرش به خارج از درس و بحث باشد و تمام حواس خود را در یادگیری یک زبان خارجی جمع نکند؟

چرا و به چه دلیل این سری سؤالات بی روح و کسل کننده در زبان آموزان شکل می گیرد؟

چرا باید این سؤالات منجر به رها کردن محیط آموزشی شود؟

چرا هیچگاه مشکل حل نشده و دائماً این مشکل وجود دارد؟

پاسخ این همه سؤال را در مقاله‌ی بعدی خواهم داد...

این مقاله ادامه دارد...

علی حمیدی پور

نویسنده و مدرس زبان عربی

Zabaneostad.blog.ir